

معنی بیت‌ها

بیت ۱: بود شیری به بیشه‌ای، خفته موشکی کرد، خوابش آشفته

معنی: شیری در جنگل کوچکی خوابیده بود. موش کوچکی، خوابش را پریشان و خراب کرد.

بیت ۲: آن قدر گوشِ شیر، گاز گرفت گه رها کرد و گاه باز گرفت

معنی: [موش] گوشِ شیر را بسیار گاز گرفت. گاهی گوشِ شیر را رها می‌کرد و گاهی آن را دوباره می‌گرفت.

بیت ۳: تا که از خواب، شیر شد بیدار متغیر ز موش بد رفتار

معنی: تا این که شیر، از خواب بیدار شد و از کارهای موش بدرفتار، خشمگین و عصبانی شد.

بیت ۴: دست برد و گرفت کله‌ی موش شد گرفتار، موش بازی گوش

معنی: [شیر] دست دراز کرد و سر موش را گرفت و موش بازی گوش، در دست شیر، گرفتار شد.

بیت ۵: خواست در زیر پنجه، له کندش به هوا بُرده، بر زمین زندش

معنی: شیر خواست موش را در زیر پنجه‌ی خود له کند یا این که او را به هوا پرتاب کند و محکم به زمین بزند.

بیت ۶: گفت: ای موش لوس یک غازی با دُم شیر می‌کنی بازی؟

معنی: [شیر] گفت: ای موش لوس ناچیز و بی‌ارزش، تو می‌خواهی کار خطرناکی انجام بدهی و با بزرگ‌تر از خود بازی کنی؟

نکته

مصراع دوم، مَثَل (ضرب‌المثل) است یعنی: کار خطرناک کردن.

بیت ۷: موش بیچاره در هراس افتاد گریه کرد و به التماس افتاد

معنی: موش بدبخت ترسید و گریه کرد و شروع به التماس و زاری نمود...

بیت ۸: که تو شاه وحوشی و من موش موش هیچ است، پیش شاه وحوش

معنی: که تو پادشاه حیوانات وحشی هستی و من موشی ضعیف هستم. موش در برابر پادشاه حیوانات وحشی ارزشی ندارد.

بیت ۹: تو بزرگی و من خطاکارم از تو امیدم مغفرت دارم

معنی: تو [شیر] بزرگ هستی و من [موش] گناهکارم. من از تو امید دارم که گناه و اشتباه مرا نادیده بگیری.

بیت ۱۰: شیر از این لابه، رحم حاصل کرد پنجه وا کرد و موش را ول کرد

معنی: شیر از این التماس و زاری موش، دلش سوخت. دستش را باز کرد و موش را رها کرد.

بیت ۱۱: اتفاقاً سه چهار روز دگر شیر را آمد این بلا بر سر

معنی: اتفاقاً، سه چهار روز بعد، شیر هم گرفتار بلا و سختی شد.

بیت ۱۲: از پی صید گرگ، یک صیاد در همان حول و حوش، دام نهاد

معنی: یک نفر شکارچی برای شکار گرگ، در همان اطراف دام و تله‌ای را قرار داد.

بیت ۱۳: دام صیاد، گیر شیر افتاد عوضِ گرگ، شیر گیر افتاد

معنی: تله‌ی شکارچی، نصیب شیر شد و به جای گرگ، شیر در دام افتاد.

بیت ۱۴: موش چون حال شیر را دریافت از برای خلاص او بش‌تافت

معنی: موش وقتی که دید شیر اسیر و گرفتار شد، برای نجات و رهایی‌اش، عجله کرد.

بیت ۱۵:

بندها را جوید با دندان تا که در برد شیر از آن جا جان

معنی: موش بندهای شیر را جوید تا این که شیر از آن دام، جان سالم به در ببرد. (نجات یابد).

بیت ۱۶:

شیر چون موش را رهایی داد خود رها شد ز پنجهی صیاد

معنی: شیر وقتی که موش را آزاد کرد؛ خودش از دست شکارچی آزاد شد.

ایرج میرزا: وی از نوادگان فتحعلی شاه قاجار بود. تحصیلاتش در مدرسه‌ی دارالفنون تبریز،

صورت گرفت. ابتدا شاعر دربار قاجاریه بود اما به زودی از شاعری دربار کناره

گرفت. شعر ایرج ساده و روان و همراه با کلمه‌های عامیانه است و مسائل

اجتماعی را با زبانی ساده بیان می‌کند.

تاریخ ادبیات